

سخن سردبیر:

انتخاب های فاطمی

دیدار با رهبری!

آرزویی محال که ممکن می شود

فرسنگ ها فاصله!

از یلداهای ما تا یلداهای نیاکائمان

الگوهای جاودان برای زنان دیروز امروز و آینده



—خـن رډپير:

انتخاب های فاطمی



مزیت تفکر شیعه برای انسان هایی که آگاهانه در این ورطه وارد شده اند از جنبه های متفاوت با دیگر ادیان قابل تطبیق و مقایسه می باشد. که از جمله خصوصیات بارز آن الگوهای کاملی در زندگی همچون وجود ائمه اطهار و اولیاء الهی است؛ که ویژگیها و سجایای اخلاقی ایشان برای تمامی ابعاد کمالی انسانی با اداره خود به انجام می رساند می باشد.

شخصیت فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) از جمله این افراد است که با عنایت به عمر کوتاه او لکن در قله تعالی انسانی واقع گردیده است. و هر انسان منصفی در مطالعه و تحقیق به زوایای شخصیتی ایشان می تواند آنچه را که لازم رشد و تعالی باشد به عیان مشاهده و در آن مسیر گام بردارد.

انتخاب های فاطمی مطلبی است که به تصمیمات آن حضرت در وقایع مختلف دوران زندگی او می پردازد از امروز برای خانواده ها بویژه در توفیق به تربیت نسلی شیعی بسیار مؤثر است. و هر چه به این موضوع پرداخته شود؛ امکان قرار گرفتن در راه روشن و دوری از سراب هایی که امروزه دل مشغولی بعضی از خانواده ها گردیده را حاصل می نماید.

شرایط همسر بایی، شیوه مجالست با همسر، تقسیم وظائف در زندگی، شیوه های انتخابی در تربیت فرزندان، دستگیری از تهیدستان، توجه به اوامر الهی، دعا و نذبه و جایگاه آن در زندگی، شیوه هدایت جامعه و راهکارهای انتخابی در تبیین حق از باطل و معرفی ولایت امام معصوم (سلام الله علیه) از انتخاب های فاطمی است.

آنچه در این عبارت مختصر مد نظر می باشد توجه به یک واقعیت مهم است؛ که سیره اولیاء الهی در همه زوایای زندگی ما قابلیت تسری را دارد. چرا که آنچه در زندگی آن ها نمود دارد متاثر از اراده و انتخابی است که با توکل الهی به انجام رسانده اند و در تحقق آن سختی ها و مرارت های زیادی کشیده اند؛ تا این مهم به سرانجام رسیده است. و همین شناخت و معرفت، عاملی است که در دستیابی به اهداف بلند و با تمسک به ایشان، مشکلات در پیش روی را برای ما آسان می گرداند.

امروزه که در دسترسی هر خانواده امکان بهره گیری از رسانه های مختلف «که هریک با اهداف خود شکل گرفته است» سهل الوصول گردیده است.

مهم ترین زوایای پنهان این رسانه ها تسلط بر اراده و تصمیماتی است که نهایت خانواده را هدف خود قرار می دهد. و در صورت نبود شاخص هر بیراه ای می تواند چارچوب زندگی را بر خلاف مبانی اعتقادی و دینی تحت تاثیر خود قرار دهد. لذا اسباب انس و آشنایی و تبعیت به راه و سیره ایشان یک ضرورت انکارناپذیر می باشد. و وظیفه اولیاء و مربیان در همه سطوح بر این مهم است تا با دور نمودن ذهن مخاطبین از اینکه راه طی شده توسط اولیاء الهی مختص به ایشان و زمان ایشان نبوده است و هر انسان با همتی، با فهم و کسب معرفت لازم، قابلیت عمل به این معارف را خواهد داشت.

ان شاء الله
سید محمد کاظم حجازی

—خمن بزرگان؛



حجت الاسلام والمسلمین محسن عباسی ولدی، کارشناسی دینی و مسائل تربیتی است که تالیفات زیادی در حوزه های مختلف از جمله داستانی و ادبیاتی، معارف اسلامی و تعلیم و تربیت دارد. که از جمله آن می توان به کتب ۳ جلدی «من دیگر ما» و همچنین کتاب ۵ جلدی «تا سال آرامش» اشاره نمود. ایشان از سال ۱۳۸۸ به عنوان کارشناس در برنامه پرسش و پاسخ تربیتی با موضوع خانواده حضور پیدا کرد. این برنامه از جمله برنامه های پرسمانی موفق رادیو معارف می باشد که مباحث استاد عباسی نیز با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبرو شده است.

مہربانی فقط بابچہ فامیل

یکی از محبت‌های رفتاری که خیلی رایگان و بسیار تاثیرگذار و عمیق است، خوش اخلاقی و خوش زبانی است. امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند: «خوشرویی مغز دوستی است». خوش اخلاقی راقاعده زندگی قرار بدهیم. خوش اخلاقی یعنی من دوست دارم.

چرا همیشه خوش زبانی ما برای بقیه است؟ چرا وقتی بچه فامیل در خانه یک چیزی را پرت می کند، لیوان شیشه ای را می شکند و شربت آلبالو می ریزد روی فرش کرمی که تازه خریدیم، مادرش که دعوایش می کند، صاحبخانه می گوید: «دعوایش نکن! پسرم چیزی نشد؟»؛ بعد بچه خودش لیوان پلاستیکی که درونش آب است، کف سرامیک آشپزخانه می ریزد، می گوید: «عه..... حواست نیست؟»

با این هم خوش زبان باش!

بگو یسرم عیب ندارد.

این خوش اخلاقی و خوش رویی است.

❁ خوش اخلاقی من بیرون خانه نباشد و اخم من درون خانه!

خوش‌زبانی یعنی چه؟ یعنی استفاده از واژه‌های گوارا و لحن مهربان.

بد زبانی خیلی عقوبت دارد. بد زبانی با خانواده را اگر گناه ندانستیم، نمی‌توانیم از لحاظ معنوی رشد کنیم. نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از یک زنی تعریف کردند که شب‌ها به عبادت می‌ایستد و روزها روزه می‌گیرد. بعد گفتند: دو ویژگی دارد: بد اخلاق است و با زبانش همسایه‌ها را آزار می‌دهد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «آن زن اهل آتش است و خبری در او نیست».

حجت الاسلام والمسلمين محسن عباسي ولدي

تامل؛

مردی با آرزوهای دوربرد

هدف او موقعیت خودش و تشکیلاتش نبود. حتی هدفش سربلندی سپاه و نیروهای مسلح و ایران و خاورمیانه فترتمند هم نبود. صاف و پوست کنده، می خواست اسلام «ابر قدرت» شود.

می خواست دشمنان قسم خورده اسلام، جرأت نکنند به مسلمانان نگاه چپ بیندازند. آن وقت این هدف ها را مثل چیزهای لوکس و کم مصرف نگذاشته بود توی بوفه که هر از گاهی نگهشان کند و انگیزه بگیرد؛ این ها را آورده بود توی مکالمات روزمره خود و نیروهایش. در دسترس تر و کاربردی تر از چیزی که کسی بتواند فکرش را بکند؛ آن قدر نزدیک که با نیم ساعت صحبت با هر کسی و در هر موضوع بی ربطی، می توانست برسد به این اهداف و ایده هایش برای عملی کردنشان.

اسرائیل را مغرورترین و پلیدترین دشمن اسلام می دانست

وقتی از این چیزها حرف می زد، لحنش حماسی می شد و برق چشماهایش آدم را می گرفت. طوری که مخاطبش هر که بود، سر ذوق می آمد و با علاقه تأییدش می کرد، می گفت: «اگرچه روزی احساس کنم اینجا زیاد مفید نیستم، میرم عین یه سرباز ساده می جنگم». هیچ تعارفی هم توی لحن کلامش نبود. حرف کسی بود که اسرائیل را مغرورترین و پلیدترین دشمن اسلام می دانست و توی خیلی از جلسه ها می گفت: «باید کاری کنیم اسرائیل با شنیدن اسم شیعه به خودش بلرز». شاید آن جمله معروف حاج حسن که چند ماه به شهادتش توی جلسه ای خطاب به بچه هایش گفته بود، برای ما عجیب باشد؛ آن قدر عجیب که دیوار نوشته اش کنیم و بشود زینت اتوبان ها و نمایشگاه ها و جشنواره حاجی را می شناختند، کرده و گفته بود: کسی است که





دیدار با رهبری؛ آرزویی محال که ممکن می شود

از نوجوان دیروز است و این نتیجه انقلاب است؛ بنابراین دانش آموزان امروز می توانند تاثیرگذار باشند و به همین دلیل من به اخلاق و رفتارم بیشتر توجه می کنم. دهه هشتادی ها در رشد فکری نسبت به دهه های قبل برتری دارند، ولی در حال حاضر جنگ، جنگ رسانه ایست و باید به دنبال تجهیز خود در زمینه ی سواد رسانه ای باشیم.

محدثه نیز در این باره می گوید «اگر رهبری ندایی بدهد دهه هشتادی ها صف اول هستند. از خدا می خواستم جراتی به من بدهد و دلم قرص شود که بتوانم در مسیر خود جلو بروم دیدار با رهبری باعث شد دلم قرص شود و قدرت تحلیل سیاسی ام بالا برود.»

پرچم ایران نماد اقتدار

انسیه ادامه می دهد: پرچم ایران نشانه پایداری و اقتدار ملت است که امسال برای روز دیدار دانش آموزان با رهبری در نظر گرفته شده بود.

وی درباره اتفاقات اخیر کشور می گوید: «هدف اعتراض کنندگان آزادی و بی حجابی نیست بلکه کارشان از پایه و اساس غلط است و آرتین که در دیدار با رهبری حضور داشت نماد از بین بردن امنیت مردم است.

محدثه درباره اتفاقات اخیر کشور هم معتقد است در ابتدا اعتراضات به بهانه حجاب و آزادی بود اما ریشه اعتراضات از ابتدا اشتباه بود و البته با بعضی از افراد هر چقدر هم جنگی نمی خواهند آگاه شوند.»

زندگی قبل و بعد از دیدار

انسیه که بعد از دیدار دلنوشته ای نیز نگاشته است، در پایان بیان می کند: زندگی دانش آموزی ام به قبل و بعد از دیدار تقسیم شد و بعد از دیدار به اعتقاداتی که داشتم بیشتر پایبند هستم.

راضیه هم در پایان می گوید «بعد از دیدار با آقا سعی کردم فرد مفیدتری باشم و انگار پس از دیدار نیروی مضاعفی گرفتم و سعی می کنم حرف آقا روی زمین نماند.»

داشتم اما وقتی حضرت آقا را دیدم حسم متفاوت و صمیمی تر شد انگار پدر ولایی ام را دیده ام و حس خوب ایشان به من انتقال پیدا کرد. محدثه نیز دیدار با رهبری را آرزوی محالی می داند و از اینکه در مقطع دانش آموزی به آرزوی محالش رسیده است شگفت زده است، او می گوید در آن لحظه فقط اشک می ریختم و همه چیز را تار می دیدم انگار پدر خودم را دیده ام.

در ادامه پای صحبت های راضیه نشستیم. او که قبل از دیدار استرس زیادی داشته می گوید: بعد از اینکه آقا را دیدم آرامش خاصی داشتم که هیچ وقت تجربه نکرده بودم دلم آرام شده بود آرامشی که نمی توانستم تصور کنم.

امیدی که از بیانات آقا به جان می تراوید

انسیه می گوید «در صحبت های ایشان حتی یک درصد ناامیدی حس نکردم، تمام حرف ها را پیوسته ادامه می دادند و به امید می رسیدند و امیدبخشی به دانش آموزان در صحبت های ایشان بارز بود.»

محدثه اما این امید را با دل سپردن به حرف های رهبر و پای بند شدن به عقاید خود بیان می کند و می گوید به حرف های آقا دقیق گوش می کردم چرا که نمی دانستم دیگر چنین فرصتی را پیدا می کنم یا نه؛

قبل از اینکه به دیدار بروم به عنوان یک دانش آموز جرات نمی کردم از عقاید خود دفاع کنم اما از وقتی صحبت های ایشان را شنیدم حس می کنم تکلیفی بر گردنم است که باید از عقاید و صحبت های ایشان دفاع کنم تا شرمندة نشوم.

بچه ها در پاسخ به ندای رهبری که فرمودند آینده به دست دهه هشتادها و دهه نودیهاست چه گفتند؟

دهه هشتادی های در صف اول هستند

انسیه با اشاره به صحبت های آقا در این باره گفت: رهبری در سخنان خود فرمودند «نوجوان امروز بالغ تر و عاقل تر

سخن شهروند، با دانش آموزان: حرف مشترکشان آرزوی دیدار بود. سرشار از شوق بودند و انگار به آرزویی دست نیافتنی رسیده بودند آرزویی محال که گمان می کردند در دوران دانش آموزی دیگر به آن نخواهند رسید. پس از اینکه دیدار را در دوران دانشجویی تصور می کردند و امید داشتند با ورود به دانشگاه این افتخار نصیبشان شود انگار ورق برگشته بود و مسافران حرم یار شده بودند.

یکی از اتفاقاتی که ممکن است برای دانش آموزان در آستانه روزی که به نامشان است رقم بخورد دیدار با رهبر انقلاب است. دانش آموزانی که برگزیده این دیدار می شوند حس و حال عجیبی دارند از آن حس و حال ها که نمی شود به آسانی به زبان آورد.

انسیه اخلاقی، محدثه پرتویی و راضیه زمانیان سه دانش آموز پایه دوازدهم دبیرستان دخترانه علمی هستند که در آستانه روز دانش آموز سال ۱۴۰۱ افتخار دیدار با رهبری نصیبشان شده است.

هوا، هوای دوست

حس و حال و حرف های مشترک این سه دوست شنیدنی است. نگاه و صدای پر از شور و شغفشان نشان از اتفاقی بزرگ یا شاید نقطه عطفی در زندگیهایشان داشت انسیه که گویا چند روز قبل از دیدار با رهبری درگیر سوگ بزرگی شده بود، درباره قبل از دیدار می گوید: دلم شکسته بود و از خدا یک نشانه می خواستم وقتی خبر را شنیدم دچار شادی مضاعفی شدم که قابل وصف در آن موقعیت سخت نبود و احساس کردم این همان نشان های بود که منتظرش بودم، دیدار با رهبری اتفاق دور از ذهنی بود و فکر می کردم غیر قابل دسترس است و چون به آرزویی محال دست پیدا می کردم بسیار خوشحال بودم.

انسیه مطرح می کند که «قبل از دیدار استرس زیادی داشتم اما وقتی آقا را دیدم استرسم به آرامش تبدیل شد، قبل از اینکه ایشان را ببینم حس صمیمیت با ایشان

مسابقه ای که برنده ندارد

نمی‌کنیم و تأسف نمی‌خوریم؟! مگر از ابتدا، تعریف ماشین این نبوده که وسیله‌ای در اختیار انسان باشد و انسان را به مقصد و هدفش برساند؟!

اگر در این میان نفس انسان و مقصد و هدف و راندن و رفتن، همگی فراموش شده باشند و خود ماشین و توجه و رسیدگی به آن، اصل قرار گرفته باشد، اسباب تعجب و ناثر و حتی اسباب خنده و مضحکه نیست؟! واقعیت این است که ما، اغلب ما و بسیاری از مردم جهان، در این موقعیت مضحک و تأسف بار زندگی می‌کنیم، ولی متوجه نیستیم.

به این نشان که در همین جهان، همه آنان که در این مسابقه، به خط فرضی پایان می رسند و برای بخش جسمانی با مرکب و ماشینشان، آرزوی محقق نشده، باقی نمی گذارند، تازه به بطلت این مسابقه پی می برند و به صرافت روح و جان می افتند. چراکه در ضمیر ناخودآگاه و پس و پیش ذهنشان، به دنبال یافتن قرار و آرامش برای روح و جان بوده اند و تأمین رفاه و آسایش جسم را برای رسیدن به آرامش روح و جان می خواسته اند و اکنون که آن را در این نمی بینند، به صرافت اصلی، جان افتاده اند و

برگرفته از کتاب «دین به چه درد می خورد»

اثر سید مهدی شجاعی

و فراگیر مواجهه است.

مسابقه ای که بانیان و برگزار کنندگان آن معلوم و مشخص نیستند. مسابقه ای که از داوری قانونمندی برخوردار نیست و داوران آن لباس و جایگاه خاصی ندارند. مسابقه ای که دارای یک خط پایان نیست. مسابقه ای که داوران نیز در مسابقه شرکت دارند و برای پیشی گرفتن از دیگران تلاش می کنند؟! اصلاً جای تعجب نیست اگر که عده ای و بلکه بسیاری، تمام فکر و ذهن و دغدغه شان همین مسابقه باشد:

➤ **رسیدن به ثروت، قدرت، امکانات و رفاه بیشتر.**

آنچه موجب تعجب و شگفتی است این است که همه این اهداف، امکانات، لذاذ و... برای بخشی از وجود انسان است که به آن جسم گفته می شود! در حالی که بخش اصلی وجود انسان، روح و جان اوست که هیچ کدام از این اهداف و تلاش ها و مسابقه ها به آن مربوط نمی شود.

نسبت و رابطه جسم و جان، شبیه نسبت و رابطه ماشین و راننده است. و حال باید سوال کرد، آیا اسباب شگفتی و تعجب نیست، اگر بشنویم و ببینیم که کسی خودش را فدای ماشین زیر پایش کرده؟! تعجب

سخن شهروند، گروه زندگی بهتر: عموم تریبونها از اطراف خودمان تا اقصی نقاط جهان، در حال برگزاری یک مسابقه اند که شرکت کنندگان آن نه یک عده خاص که، تک تک افراد زنده و عاقل و بالغ هستند.

مقصودم از تریبون، فقط رادیو و تلویزیون و ماهواره و فضای مجازی نیست. و مقصودم از برگزاری مسابقه، فقط پخش زنده و مستقیم گزارش از مسابقه نیست؛ همه عوامل و عناصر موجود در فضا برای شرکت و موفقیت در این مسابقه طراحی شده است.

همه تبلیغات، وعده رسیدن به رفاه و آسایش بیشتر را می دهند. در همه خبرها دغدغه رسیدن به زندگی ای شیرین تر و لذت بخش موج می زند. حتی عموم تلاش های علمی و اختراعات و اکتشافات، با این ترازو ارزیابی می شوند و به میزان نقش و سهمی که در رفاه و آسایش و التذاذ زندگی بشر به دست می آورند، ارزش گذاری می شوند.

انسانی که در دنیای معاصر تنفس می‌کند، از اولین لحظات بیداری صبح تا آخرین لحظات رفتن به بستر خواب، خواه و ناخواه با یک مسابقه عمومی



چشم تنگ مرد دور اندیش را یا قناعت پر کند یا ...



همه ما موظفیم در زندگی قانع و به رزق و روزی که خدا برایمان مقدر کرده راضی باشیم، قناعت اثرات مثبتی در زندگی انسان دارد و باعث سرافرازی و عزت انسان می شود

خانواده ها نباید خوشبختی را در مادیات و رفاه بیشتر بدانند. گاهی اوقات رفاه نتیجه عکس دارد به عنوان نمونه موارد بسیاری از بچه های که از شرایط مالی خوبی برخوردار نبوده اند وجود دارد که در زندگی بسیار موفق هستند اما بچه هایی که در رفاه بزرگ شده اند به آن جایگاه نرسیده اند. در این مواقع رفاه به جای پیشرفت باعث پسرفت بچه ها می شود چرا که آنها هر آنچه می خواهند برایشان فراهم است و نیازی به تلاش حس نمی کنند؛ داشتن وسایل مجلل برای فرزندان حق دانسته می شود نه یک انگیزه بیرونی.

راهنمایی برای والدین

باید به خودمان و همه خانواده ها مجدد یادآور شویم که ارزش انسان به مال اندوزی و چشم و هم چشمی نیست. گاهی انسان ها با تجمل گرایی تاثیر منفی در زندگی دیگران می گذارند؛ مقایسه زندگی خود با دیگران تبعات منفی در زندگی انسان های امروزی گذاشته و باید به خانواده ها بقبولانیم که به ابعادی غیر از مادیات هم در زندگی توجه کنند. بالا رفتن سن ازدواج، کم شدن صله ارحام و... از تبعات منفی تجمل گرایی است که این روزها در جامعه مشاهده می کنیم، و باعث به خطر افتادن سلامت اجتماعی و اخلاقی جامعه شده و خسارت هایی به بار آورده است.

سخن پایانی

مثل آنان که مالشان را در راه خدا اتفاق می کنند به مانند دانه ای است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید، و خدا را رحمت بی منتهاست و (به همه چیز) داناست. (۲۵۶ بقره) در روایاتی آمده است که انسان باید تلاش کند و مال و اموالی داشته باشد اما تجمل گرا نباشد و اموال خود را صرف مسائل معنوی و کارهای خیر مانند اتفاق کند. در آیه ۲۵۶ سوره بقره که به آیه انفال معروف شده است نیز به این موضوع اشاره شده است و تاکید شده انسان به وسیله اموال خود در کارهای خیر شرکت کند و اگر با نیت خیر و نه تجمل گرایی این کار را انجام دهد داشتن مال و اموال نتایج مثبتی در زندگی اش خواهد داشت.

کسب روزی حلال و رفع نیازهای زندگی تلاش کنیم چرا که کار کردن برای کسب روزی حلال مطابق با روایت عین جهاد در راه خداست.»

قناعت و تربیت فرزندان

یکی از اثرات قناعت آثار تربیتی است که بر روح و جان فرزندان باقی می گذارد. نظرات آقای قرایی را نیز در این باره جویا شدیم: "همه ما موظفیم در زندگی به رزق و روزی که خدا برایمان مقدر کرده راضی باشیم، قناعت اثرات مثبتی در زندگی انسان دارد و باعث سرافرازی و عزت انسان می شود.

اگر والدین قناعت داشته باشند می توانند درس های خوبی به فرزندان بدهند. فرزندی که هر چه درخواست نماید، برایش تهیه کنند و در اختیارش بگذارند، در «مسیر زندگی» در مقابل مشکلات کوچک هم تاب مقاومت و ایستادگی ندارد، چرا که زندگی روزمره همیشه اتفاقات مطابق خواست و میلش روی نمی دهد و همین موضوع سبب می شود تاب آوری او در برابر مشکلات پایین بیاید. فرزندان باید بدانند قناعت باعث می شود روح بی نیازی در آن ها رشد کند.»

بهترین الگوهای ساده زیستی

بهترین الگو در این حوزه پیشوایان، امامان و پیامبران هستند که با نگاه به سیره آنها می توان ساده زیستی را لمس کرد. پس از پیامبران و امامان، الگوی بعدی رهبران دینی که در راس حکومت قرار دارند هستند.

پس از الگوهایی که نام بردیم معلمان بهترین الگوی دانش آموزان هستند چرا که بچه ها معمولاً از معلمان خود حرف شنوی دارند و معلمان می توانند با رفتار و کردار خود تاثیر مثبتی بر تربیت دانش آموزان داشته باشند. همگی ما موظفیم ساده زیستی را برای خود و خانواده مان در نظر بگیریم

وقتی بین والدین مسابقه تجمل گرایی راه می افتد

متأسفانه در حال حاضر این فرهنگ در جامعه باب شده و یکی از عوامل آن صدا و سیما است؛ تبلیغات باعث مصرف گرایی زیاد شده است مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: (جامعه ای که مصرفش از تولیدش بیشتر است، در میدان های مختلف شکست می خورد). رفت و آمدهای فامیلی نیز دیگر عامل رواج چشم و هم چشمی در بین خانواده ها است و باعث شده خانواده های ایرانی اولویت زندگی خود را فراموش کرده و اصل را بر تجمل گرایی بگذارند.

سخن شهروند، زندگی بهتر: وقتی که پای ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی به میان می آید، فارغ از صحبتها و حرف های اغراق آمیز باید به دنبال نمونه های عینی آن بود تا آن وقت حرفها و صحبتها نیز به دل نشینند و باور شوند.

شاید به جرات بتوان گفت بعد از پدر و مادر، مهمترین الگو در زندگی برای هر دانش آموز معلمان او هستند. و از این رو بی جهت نیست که از مدرسه به عنوان خانه دوم افراد نام برده می شود. به همین بهانه گفتگویی با معلمی که درس «مسیر زندگی» را به دانش آموزان آموزش می دهد خواهیم داشت.

آقای احمد قرایی؛ معلم دبیرستان پسرانه دوره اول علمی، که در ادامه گوشه ای از «مسیر زندگی» را تحت عنوان ساده زیستی در بیان می کند:



متأسفانه در حال حاضر این فرهنگ در جامعه باب شده و یکی از عوامل آن صدا و سیما است، رفت و آمدهای فامیلی نیز دیگر عامل رواج چشم و هم چشمی در بین خانواده ها است و باعث شده خانواده های ایرانی اولویت زندگی خود را فراموش کرده و اصل را بر تجمل گرایی بگذارند.

ساده زیستی یا خسیس بازی؟!

قرایی مطابق با انتظار و سبک معلمی خود و آرامشی که در لسان ایشان وجود دارد، قدم به قدم به تبیین و توضیح بحث می پردازد و تفاوت بین حرص و مال اندوزی را با تلاش برای کسب رزق و روزی حلال توضیح می دهند: «تلاش کردن با حرص بودن و تلاش شبانه روز برای مال اندوزی بسیار متفاوت است. بعضی از انسانها حرصی اند و همین حرص باعث می شود از یاد خدا غافل شویم. ولی این قناعت نیز به معنای خسیس بازی هم نیست؛ صرفه جویی صحیح به معنای نخوردن نیست، به معنای زیاده روی نکردن، و نعمت الهی را ضایع نکردن است. ساده زیستی یعنی اینکه ما بدانیم خداوند رزق و روزی همه انسانها را تضمین کرده است. و در عین حال برای



الگوهای جاودان برای زنان دیروز، امروز و آینده



شجاعت و حضور مثال
زدنی زنان در همان
روزهای ابتدایی جنگ،
حضور و شجاعت زنان در
پشت خط مقدم جنگ و
این روزها پای سنگرهای
عفاف و حجاب ماندنشان
همه و همه نشانه این امر
است که زنان ما حضرت زینب
(س) را الگوی جهادی خود نشان
داده اند.

مادری که پس از شهادت فرزندش
نگذاشت لحظه ای آب در دل فرزندانش
تکان بخورد و با افتخار به عنوان یک همسر شهید
سنگر را حفظ کرد، بانویی که در جوانی جانپاز شد اما
سال هاست که برای فرزندانش صبورانه مادری می
کند، بانویی که با مشکلات معلولیت کنار می آید اما
به بیماران خدمت می کند و... همه و همه نشانه های
زینب وار زندگی کردن زنان و دختران این سرزمین
است. زنان و دخترانی که الگوهای جاودانشان
حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب
(س) است و خود نیز می توانند
الگوهای برای نسل های آتی
باشند...

✦ به زهره اقتدا کنید

می دانیم که مادر نقش
بسیار مهمی در خانواده و
تربیت فرزندان دارد، اوست که تا
دوسالگی افزون بر تغذیه از جان خو، نقش اصلی را در
تربیت کودک دارد. هفت سال اول عمر فرزند نیز چون
دانشگاهی است که مادر استاد اصلی آن است و
به کودک درس تربیت و محبت می دهد و چه
نقشی بالاتر از مربی بودن؟!
با این توصیف، وقتی که سراغ اهل بیت (علیه
السلام) می رویم، می بینیم که
نقش حضرت زهرا
در خانواده چه قدر
اهمیت داشته است که

فرزندانی
چون حسن (علیه
السلام) و حسین علیه السلام و زینب و ام کلثوم
را تربیت کرده است. این نقش در روایات و ادعیه قابل
بررسی است ولی فقط یک نمونه را بیان میکنیم:
در بخشی از حدیث شریف کساء از زبان خداوند به گونه
زیبایی در معرفی اهل کساء می بینیم که این معرفی،

با فاطمه شروع و نیز با او ختم می شود:
خداوند در معرفی آن ها به اهل آسمان و فرشتگان
می گوید:
«هُم فاطمه و آبوها، و یعلها و بنوها»
گویا خداوند هم دوست دارد نام فاطمه (علیها السلام)
مکرر ذکر شود:

فاطمه است و پدر فاطمه
فاطمه است و شوهر فاطمه
فاطمه است و فرزندان فاطمه
و محوریت تعریف روی او دور می زند.
اگر سوره کوثر در شأن آن حضرت نازل شده است،
بی جهت نیست؛ چون ایشان خیر کئی (معنای کوثر)
هستند و مادر همه امامان.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند
«فاقتدو (فاهتدوا) بالزهره» به حضرت زهرا اقتدا
کنند.

امام زمان نیز مادر بزرگوارشان را الگو قرار می دهند و
می فرمایند «فی ابنة رسول الله اسوة حسنة»

✦ الگوی خود را بانو، حضرت زینب (س) قرار داده و
صبورانه ادامه دادم

فاطمه نصرالله نیا یکی از مادران همدانی است که سال
۶۵ در زمان بمباران شهر همدان به جانبازی از ناحیه
یک چشم نائل آمد.

مادری که این روزها مادر بزرگ شده و برایمان از صبرها
و مقاومت هایش در طول این سال ها می گوید...

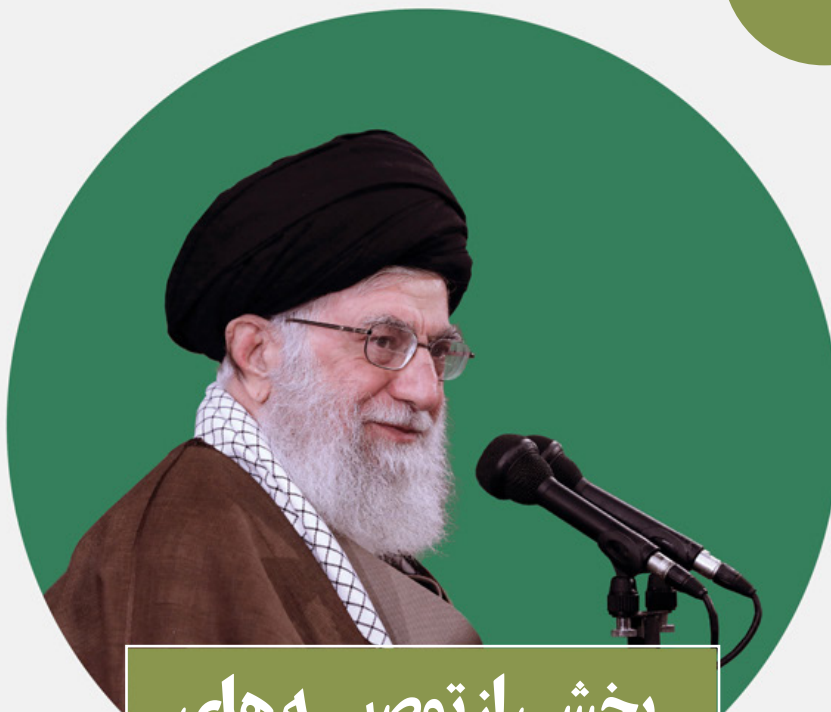
وی به سال ۶۵ برمی گردد و به خبرنگار سخن شهروند
می گوید: آن سال، بانویی ۳۰ ساله بودم که در راه
بازگشت به خانه، بر اثر بمباران همسرم به شهادت رسید
و خودم یک چشمم را نیز از دست دارم.

این مادر جانباز و همسر شهید با اشاره به اینکه در آن
روزها، بزرگترین فرزندم ۷ ساله و کوچکترین فرزندم
دو سال داشت، گفت: اینکه از ناحیه صورت دچار
آسیب های بسیاری شده بود، چهل روز در بیمارستان
تهران بستری و در حال مداوا بودم و وقتی از بیمارستان
مرخص شدم، مراسم چهلم همسر شهیدم بود.

وی بغض ۳۶ ساله اش را قوت می دهد و می گوید:
با همسرم خداحافظی نکردم، وقتی از بیمارستان
بازگشتم که مراسم چهلم همسرم بود، خیلی چیزها
تغییر کرده بود، همسرم شهید شده بود، من یک چشم
نداشتم و آسیب دیده بودم، فرزندم این مدت بدون
من و پدرشان مانده بودند و حالا من باید برای آن ها چه
ها می کردم؟ خیلی جوانتر از این حرفها بودم!

بانوی جانباز همدانی با بیان اینکه شرایط برایم خیلی
سخت بود و حتی بارها می شنیدم که خیلی ها از
من می خواستند که از این زندگی بروم و ادامه ندهم،
گفت: روزهای سختی را گذراندم، سعی کردم در این
روزها الگوی خود را بانو، حضرت زینب (س) قرار دهم
و صبورانه ادامه دهم و خدا را شاکرم که حال، همه
فرزندم را خوشبخت می بینم.

همسر شهید در ادامه با برقی که از چشم و قلب گذشت
گفت: نه تنها فرزندان خوبی دارم بلکه ۶ نوه هم دارم و
واقعاً این روزها احساس خوشبختی دارم و می بینم که
همه اینها ثمره آن سالهای صبری ام است.



بخشی از توصیه های رهبر انقلاب به دانشجویان

مطرح شده در دیدار رمضان ۱۳۹۱

- ۱ نیروی جوانی خود را کشف کنید
- ۲ از قول بدون علم پرهیزید
- ۳ به دنبال قله های علمی باشید
- ۴ نسبت به اوضاع کشور نقد مستمر و منصفانه داشته باشید
- ۵ نظرات خود را به دستگاه ها ارائه کنید و موضع گیری کنید
- ۶ با تشکل های دانشجویی جهان اسلام ارتباط داشته باشید
- ۷ به اوضاع کشور نگاه مستفسرانه داشته باشید
- ۸ شرح صدر سیاسی داشته باشید
- ۹ با اقشار مختلف جامعه در ارتباط باشید
- ۱۰ مراقب نگاه های سوسیالیستی و مارکسیستی باشید
- ۱۱ ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید
- ۱۲ در مسائل اجتماعی موضع گیری کنید
- ۱۳ جریان دانشجویی، موضع انتقادی خودش را حفظ کند
- ۱۴ امید را در خود زنده نگه دارید
- ۱۵ از تصمیمات نسنجیده پرهیز کنید
- ۱۶ مراقب رقابت بر سر بست و مقام باشید
- ۱۷ آرمانگرایی را با پرخاشگری اشتباه نگیریم
- ۱۸

خانواده های کردآبادی و تحقق شعار «خواستن، توانستن است»

۸

ما هفتاد و هشت نفر هستیم

سخن شهروند، گروه خانه ما: خانواده های کردآبادی در کنار هم و با پشتکار توانستند شعار «خواستن، توانستن است» را محقق ساخته و با پیش روی در مسیر اقتصاد مقاومتی، روستایشان را کارگاه و خانه هایشان را تولیدی های پوشاک کنند.

«کردآباد» روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان کبودرآهنگ در استان همدان است که در دهستان حاجی لو قرار گرفته و چیزی حدود ۳ تا ۴ کیلومتر با کبودرآهنگ فاصله دارد. در روستای «کردآباد» شهرستان کبودرآهنگ حدود ۶۰۰ خانه وجود دارد که نیمی از آن کارگاه تولیدی است و همین اتفاق «کردآباد» را به روستای نمونه اقتصاد مقاومتی تبدیل کرده است.

آقای قاسمی که به همراه دو پسرش در روستای کردآباد و در بخشی از حیاط خانه اش یک کارگاه تولیدی پوشاک و طرح زدن روی لباس و پارچه را در پیش گرفته است، یکی از همین اهالی روستاست. پدر یک خانواده که آنقدر متواضع است که حتی نمی تواند از اقدامات و کارهای مهمش در عرصه اشتغالزایی و تولید سخن بگوید.

این وظیفه را به پسر بزرگترش می دهد، امیرمحمد قاسمی در این زمینه به خبرنگار سخن شهروند گفت: خیلی وقت است که تولیدی داریم و حدود هفت سالی می شود که

اگرچه سالهای پیش چاپ های بیشتری داشتیم و این روزها این میزان کاهشی است، اما به دنبال این هستیم تا کارمان را گسترش داده و حتی برای دیگر افراد روستایمان هم در این زمینه اشتغالزایی کنیم.

کار چاپ روی پارچه را هم آغاز کرده ایم.

تولیدی شان اگرچه کوچک است اما پویایی و نشاط خاصی دارد، جوری که دوست داری پای یکی از آن چرخ خیاطی ها بنشینی و تا می توانی چیزهای خوب بدوزی...

در همان مکان کوچک چند چرخ خیاطی همزمان با هم می دوزند، گذشته را به حال و حال را به آینده... مسیری باریک از بین این چرخ های خیاطی و تکه پارچه های رنگی به یک مکان سر بسته آجری همراه با بوی رنگ ختم می شود، پدر خانواده قاسمی با شربت زعفرانی از ما میزبانی می کند... دیوارهای آجری بندکشی شده و روی آنها تکه پارچه های لباس های مختلفی پهن شده اند تا رنگ هایشان خشک شود.

امیرمحمد تنها مشکلمان را کوچکی کارگاه می داند و برایش چیزهای دیگر معنا و مفهومی ندارد. وی با بیان اینکه خانوادگی در این کارگاه خیاطی و رنگ آمیزی روی پارچه فعالیت دارند، عنوان کرد: اگرچه سالهای پیش چاپ های بیشتری داشتیم و این روزها این میزان کاهشی است، اما به دنبال این هستیم تا کارمان را گسترش داده و حتی برای دیگر افراد روستایمان هم در این زمینه اشتغالزایی کنیم.

محمد نعیمی یکی دیگر از مردان روستای کردآباد است که همراه با دختر کوچکش در طبقه پایین منزل مسکونی شان کارگاهی راه انداخته است.

او که در گذشته راننده بوده و خاطرات خوبی از آن دوران و تصادفش ندارد؛ به خبرنگار سخن شهروند گفت: بافنده کشفافی هستم، مواد اولیه نخ های مورد استفاده در این کارگاه از چین و تایلند وارد می شوند و نخ مورد استفاده نیز در اصفهان، یزد، تهران و قم تولیدی می شود.

این تولیدکننده کردآبادی با اشاره به اینکه بازار فروش مناسبی برای تولیداتش دارد، عنوان کرد: ۸۰ درصد کش های بافته شده در تولیدی ام در کردآباد و کارگاه های تولیدی پوشاک آن مورد استفاده قرار می گیرد و سعی دارم تا کارم

را گسترش دهم بدین ترتیب نه تنها برای دریافت تسهیلات وارد کار شده ام بلکه یک دستگاه دیگر برای تولید کشفاف نیز خریداری کرده ام.

نعیمی که بسیار صبورانه و البته امیدوار سخن می گوید، به کشفاف های تولیدی اش نگاهی کرد و با برقی در چشمانش گفت: سعی دارم تا کارگاهم را گسترش دهم تا بتوانم شب ها هم اگر لازم بود در این کارگاه تولید داشته باشم. وی که مادام به توسعه کارگاهش فکر می کرد، بیان کرد: در نظر دارم تا تولیداتم را به ۲۵۰ و در مرحله بعدی ۵۰۰ کیلوگرم برسانم و هر فردی که بخواهد در این مسیر قدمی بگذارد، صادقانه و خالصانه او را راهنمایی می کنم چراکه می دانم روزی همه دست خداست و دیگران را رقیب کاری خود نمی دانم.

در نظر دارم تا تولیداتم را به ۲۵۰ و در مرحله بعدی ۵۰۰ کیلوگرم برسانم و هر فردی که بخواهد در این مسیر قدمی بگذارد، صادقانه و خالصانه او را راهنمایی می کنم چراکه می دانم روزی همه دست خداست و دیگران را رقیب کاری خود نمی دانم.





شبی به بلندای فرهنگ ایران زمین؛ فرسنگ ها فاصله؛ از یلداهای ما تا یلداهای نیاکانمان

سخن شهروند، گروه خانه ما: دید و بازدید با اقوام، آشنایان و دوستان از جمله رفتارهای زیبای ما ایرانیان است که در تعابیر دینی از آن با عنوان «صله رحم» یاد شده است. در آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (ع)، تأکید بسیاری به اهتمام این امر شده است.

امیرالمؤمنین (ع) این عمل را محبت آور و از بین برنده دشمنی‌ها معرفی کرده‌اند: «صِلَةُ الرَّجْمِ تَوْجِبُ الْمَحَبَّةَ وَتَكْبِتُ الْعَدُوَّ» (غررالحکم، ج ۵۸۵۲). افزایش طول عمر یکی دیگر از ثمرات این ارزش اخلاقی است، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «گاهی می‌شود از عمر کسی ۳ روز باقی مانده است، اما صله رحم به جای می‌آورد، پس خداوند آن را تا ۳۰ سال به تأخیر می‌اندازد و گاه می‌شود که از عمر کسی ۳۰ سال باقی مانده است، اما قطع رحم می‌کند، پس خداوند آن را به سه روز تبدیل می‌کند.» (کنز العمال: ۶۹۲۰)

امام صادق (ع) به مجموعه‌ای دیگر از ثمرات صله رحم چنین اشاره فرموده است: «صله ارحام، اخلاق را نیکو، دست را با سخاوت، دل و جان را پاک و روزی را زیاد می‌کند و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.» (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۸)

اما نیاکان ما برای زنده نگه داشتن صله رحم چه برنامه ریزی‌هایی کرده‌اند؟ می‌بینیم که گذشتگان ما قوانینی از جمله احترام به بزرگ تر داشتند. دیگر اینکه احترام خاصی برای اقوام دور داشتند و سعی می‌کردند ارتباط خوب و صمیمی با آنها داشته باشند. همچنین احترام به کسی که علم و دانش بیشتری داشت، سن بیشتری داشت و... همه جز برنامه های زندگی و سبک زندگی گذشتگان ما محسوب می‌شود و حتی، در این مسیر، نیاکان و گذشتگان ما آیینی را برپا کردند که به «صله رحم» توجه ویژه ای داشت... بله، «یلدا، شبی به بلندای فرهنگ ایران زمین»...

با نگاهی به این مسیر و تجربه های زیسته یکان یکان ما، باید دید آیا توانسته ایم این راه و روش را با دستکاری های نامناسب تغییر ندهیم و به سمت و سوی دیگری سوق ندهیم؟ آن را زنده نگه داشته و پاس بدریم و در گوشت و خون زندگی مان وارد سازیم؟

یلدا، فرصتی برای جامعه پذیری نسل جدید

سیدحسین موسوی چلک در گفتگو با سخن شهروند با اشاره به برگزاری آیین دیرینه یلدا در کشور، اظهار کرد: یلدا یکی از مناسبت‌هایی بود که نیاکان ما به درستی بهانه کرده بودند تا دور هم باشند و جشنی را برگزار کنند؛ جشنی که عامل تقویت صمیمیت و روابط بین اعضای خانواده، است که آن موقع خانواده گسترده و بزرگتر هم بودند.

این جامعه شناس با تأکید به اینکه یلدا بهانه‌ای برای شادی، ترویج مهربانی و گفتگو در مورد مسائل و اتفاقات خوشایند زندگی است، افزود: معمولاً در این جشن‌ها از اتفاقات خوب گفته می‌شد و در واقع فرصتی برای جامعه‌پذیری نسل جدید است.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به گذر زمان و تغییر سبک زندگی و ورود تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین طبیعتاً تغییراتی در این مناسک و مراسم اتفاق می‌افتد که در پی تغییرات مراسم‌ها مانند آن چیزی که در گذشته بود، اجرا نمی‌شود و در این مسیر می‌بینیم که امروزه، برخی شیوه‌ها در یلدا نیز تغییر کرده است.

وقتی پای چشم و هم چشمی‌ها وسط می‌آید

موسوی چلک در ادامه گفتگو چشم و هم چشمی‌ها تنها به یلدا محدود نمی‌شود و گاهی در نوروز، مراسم‌های عروسی و دیگر جشن‌ها شاهد آن هستیم و آنچه در حال وقوع است این بوده به اقتضای زمانه امروز باید کارکردهای یلدا را حفظ کرد، یعنی روابط صمیمی، دوستی، رفاقت و مهربانی بین اعضای خانواده را حفظ کرد.

وی با بیان اینکه مهمترین بهانه یلدا این بود که یک شب دورهم باشیم، بگوییم و بخندیم و صله رحم را نیز به جا آوریم و با روش غیرمستقیم این جشن‌ها را به نسل جدید هم منتقل کنیم گفت: باید با خلق ایده‌ها و یا روش‌های جدید فرصت‌های شادمانه زندگی کردن را در یلدا حفظ کنیم و آنها را افزایش دهیم.

وی تصریح کرد: ما در این روزها بیش از هر زمانی نیاز به خلق شادمانه‌های گروهی داریم و یلدا یکی از آن شادمانه‌های گروهی بود که نیاکان ما به درستی گرمی می‌داشتند و گر نه یک دقیقه اتفاقی برای مردم نمی‌افتد که یک شب طولانی یا کوتاه‌تر باشد.

جامعه شناس ایرانی با اشاره به اشتراک عکس‌های یلدا در شبکه‌های مجازی، عنوان کرد: معتقدم هر کسی تصویری را منتشر می‌کند، فرصت یادآوری یک جشن و مراسم است و فرصت یادآوری هم مهم است اما این اشتراک گذاری‌ها نباید تجملگرایی و چشم و هم چشمی را آمیخته این جشن نیاکان ما رسیده می‌شدند و همین عامل ماندگاری آنها بود.

انجام سنت های قدیمی به معنای عقب

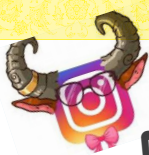
گرد نیست

به راستی شب یلدا که ریشه در اعتقادات دینی و ایرانی ما دارد، نباید در تغییرات و تحولات وارد شده و رنگ و بویی به خود بگیرد که به سمت و سوی فراموشی سوق داده شود. باید تلفیق میان آداب و رسوم امروزی با گذشته را انجام داد و باید دانست که انجام سنت های قدیمی به معنای عقب گرد نیست.

اینکه لباس های یلدایی بپوشیم و به جای برنامه ریزی برای رفتن به منزل بزرگترها در این شب، تمام بازار را به دنبال یک شمع با طرح هندوانه بگردیم، خوشایند نیست و گویی ظواهر را گرفته و از باطن ماجرا غافل مانده ایم.

و اما سخن پایانی اینکه؛ در این مسیر، نقش خانواده و مدارس بیش از پیش پررنگ است، دو نهاد که باید در این باره پای کار آمده و سنت های گذشته را با کمی تغییر امروزی کنند و نگذارند که سیل غفلت تمام داشته هایمان را با خود ببرد...





خوش خوشون شاخ های اینستاگرام



سخن شهروند، کیوسک

مجازی: دنیا هر روز در حال

دگرگونی است، همین الان

اگر بنشینید کنار دست

مادر بزرگتان و برایش تعریف

کنید که بعضی ها در اینستاگرام

با جک تعریف کردن و مسخره

کردن این و آن، میلیون

میلیون پول در می آورند، حتماً تعجب می کنند و چند «نه»

شوخی می کنید؟ استغفر الله به شما می گویند.

اما چه بخواهیم چه نه، دنیا تغییر کرده و خیلی از ارزش ها به ضد ارزش تبدیل شده است. رسانه هر روز در حال بزرگتر شدن است، سلبریتی ها و اینفلوئنسرها و شاخ های اینستاگرامی هر روز بیشتر می شوند. نمی شود جلوی همه شان ایستاد. از طرفی اگر نوجوانی در خانه داشته باشید، نمی توانید او را در یک قرنطینه دائمی از همه آسیب هایی که در اجتماع و فضای مجازی وجود دارد، دور کنید؛ اما می توانید به آن ها چند سلاح قوی بدهید؛ برای روزهای سخت!...

نوجوانان به طرز عجیبی دنبال کننده افراد مشهورند. شاید همین خصلتشان باعث می شود که شاخ های هنرمند نمای اینستاگرام را الگوی خود قرار دهند. اما حال، سوال اینجاست که ما به عنوان پدر و مادر چه کاری از دستان بر می آید؟

دست پُر باشید

بعضی از نوجوانان گمان می کنند که والدینشان از آن ها عقب اند؛ پس اگر می خواهید به آن ها توصیه ای داشته باشید یا هشدار بدهید، لازم است دستتان را پر کنید. با چند جستجو در اینترنت در مورد زندگی شخصی و اشتباه های فاحش افراد معروف اینستاگرام، اطلاعات جمع کنید. وقتی با دست پُر او را راهنمایی می کنید، بدون شک اثرگذاری بیشتری خواهد داشت. یادتان باشد، با گفتن «فلانی خوب نیست، من خوشم نمیاد»، آن خواننده یا شومن از چشم فرزندان نخواهد افتاد.

تفکر انتقادی را به کودکان آموزش دهید

یکی از مهم ترین مواردی که افراد مشهور در لایوهای اینستاگرامی شان مطرح می کنند، این است که: «ما آدم های خوب با ذات پاک هستیم، اما سیستم کشورمان یا سیستم خانواده و دینمان ما را تحت فشار قرار داده و به اینجا کشانده است».



بعضی از نوجوانان گمان می کنند که

والدینشان از آن ها عقب اند؛ پس اگر

می خواهید به آن ها توصیه ای داشته

باشید یا هشدار بدهید، لازم است

دستتان را پر کنید. با چند جستجو در

اینترنت در مورد زندگی شخصی و اشتباه

های فاحش افراد معروف اینستاگرام،

اطلاعات جمع کنید. وقتی با دست پُر

او را راهنمایی می کنید، بدون شک

اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

در مورد این باور و عقیده با فرزندان حرف بزنید. آدم ها در زندگی شرایط مختلفی را تجربه می کنند. گاهی پراز فقر یا تنهایی و یا سختی. اما معیارهای که باعث خوب و بد بودن انسان ها می شود، نوع عملکرد آن ها در سختی است. کنار آمدن با نبود پدر یا خانواده مشکل دار آسان نیست اما کم نیستند افرادی که با وجود پدر معتاد، نامادری و... توانسته اند خود را حفظ کنند و اکنون در بهترین شرایط باشند. پس لازم است به او افرادی که با شرایط جنگیده اند و بهترین راه را برگزیده اند را خودتان معرفی کنید.

ارزش و ضد ارزش را مشخص کنید

فرزندان باید بدانند، رفتاری که برای شما و اطرافیان و جامعه اهمیت دارد، دلک

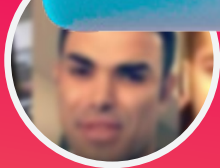
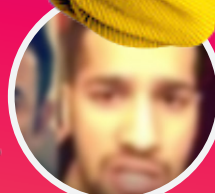
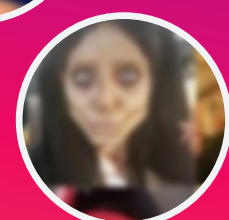
بازی، فحش دادن، رقصیدن و ... نیست. باید بداند عفت کلام، اخلاق مداری، حیا، عاقلانه رفتار کردن، تحصیلات و داشتن رفتار مناسب اجتماعی با ارزش است. با فرزندان به بررسی اطرافیان بنشینید. چه کسی مورد اعتماد بقیه است؟ آدم ها برای درد دل، کمک خواستن و مشورت گرفتن به سراغ چه کسی می روند؟ سراغ کسی که پوششش و رفتار موجه دارد و حرف های منطقی می زند یا کسی که تمام صورتش را خال کوبی کرده و از هر ۱۰ کلمه ای که به کار می برد، چندین فحش در می آید؟ و...

سرگرمی ما، پول آن ها

هر چه تعداد بازدید صفحات اینستاگرامی و لایوهای آن ها بالاتر باشد، شهرت بیشتر آن فرد را اثبات خواهد کرد. کسی هم که پر طرفدار باشد، می تواند محصولی را تبلیغ کند و میلیون ها پول به جیب بزند.

برای نوجوانان توضیح دهید با حضور مداوم ما در صفحات مسموم، این پیام به جهان مخابره می شود که فلان خواننده یا دلک اینستاگرامی مشهور و محبوب است، پس لایق این است که میلیون ها تومان پول بگیرد و کالای بنجلی را تبلیغ کند. در این فرآیند، علاوه بر اینکه ما وقتمان را هدر می دهیم و روحمان را آلوده می کنیم، آن ها پول دارتر می شوند. ما نیز نه درس خوانده ایم، نه مهارتی یاد گرفته ایم، نه شغلی و جایگاه اجتماعی به دست آورده ایم و در نتیجه پولی هم نداریم. این تنها چیزی است که نصیب ما می شود.

فاطمه دولتی



وقتی حوزه هنری برای کودکان و نوجوانان پای کار می آید

سخن شهروند؛ با من بخوان: رئیس حوزه هنری استان همدان با تاکید بر اینکه پایه کار حوزه هنری استان ادبیات کودک و نوجوان است، افزود: فعالیت های دیگری مثل تصویرگری کودک و نوجوان که ضمیمه کار این نوع ادبیات است نیز در دستور کار حوزه هنری همدان قرار گرفته است.
 طی گفتگوی خبرنگار سخن شهروند با محمدمهدی سموات به عنوان رئیس حوزه هنری همدان سعی شد

تا برنامه های حوزه برای کودکان و نوجوانان مشخص و تشریح شود. رئیس حوزه هنری استان همدان در این زمینه با بیان اینکه در حال حاضر نمایشنامه «شهر درختی» در دست کار است، مطرح کرد: این کتاب با توجه به مسائل اخیر انقلاب اسلامی نگاشته شده و در حال حاضر در مرحله تصویرگری است. سموات با تاکید بر اینکه مأموریت حوزه هنری انقلاب اسلامی در کشف استعداد، پرورش و حمایت

از هنر انقلاب اسلامی خلاصه می شود و در هر استان با توجه به بومی سازی مأموریت های استانی با هم متفاوت است، از توجه به تصویرگری کودک و نوجوان، داستان نویسی و شعر، تولیدات در حوزه کودک و نوجوان و غیره سخن گفت. در ادامه بخشی از این اقدامات که منحصراً برای جامعه هدف کودک و نوجوان توسط حوزه هنری در پیش گرفته شده است را می خوانید:

برگزاری کارگاه نمایشنامه نویسی طی چندین مرحله



گفتگو با خانم ژبلا طاهری تیزرو (نویسنده و مربی خلاقیت) با موضوع ادبیات کودک و نوجوان در قالب یادگست



برپایی مجالس شب های روایت در مسیر جهاد تبیین و معرفی خدمات انقلاب اسلامی



برگزاری کارگاه تخصصی «چگونه برای نوجوانان داستان طنز بنویسیم؟» در همدان



رونمایی از مجموعه شعر نوجوان «گاشکی اجازه داشتم»



رونمایی از نخستین کتاب های تصویری کودک حوزه هنری انقلاب اسلامی استان همدان



طریقه پایش



منظر آدنت بودم توئی که نمی شناسی
ولی مرا می بینی، می خوانی و مهر می درازی
در فصل سرما اعطای کفش
به دانش آموزان نیازمند

شماره کارت

۶۲۸۰ ۲۳۱۴ ۶۱۰۲ ۹۵۶۲

۱۴۰۰ ۲۸۵۹ ۸۱۱۸

شماره حساب
بانک مسکن

۰۸۱۳۸۲۶۱۵۲۰ * * * * *

مؤسسه خیریه شهید محراب آیت الله مدنی



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمد کاظم حجازی

مدیر اجرایی: شکیبا کولیوند

همکاران: آزاده صفی، زهره عباسی

تلفن: ۰۸۱-۳۸۳۲۱۵۲۰

نشانی: همدان، خیابان میرزاده عشقی، کوچه قاضیان، مؤسسه شهید محراب آیت الله مدنی

سایت مؤسسه: <http://www.shahimadani.net>

ماهنامه

تحلیلی، فرهنگی و اجتماعی

شهرشهر